

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

وصلّى الله على سيّدنا و نبينا أبي القاسم محمّد

وعلى آل بيته الطّاهرين، و اللعنة على أعدائهم أجمعين

از این که دیر خدمت اعزّه و احبّه رسیدم

عذرخواهی می‌کنم، حالم مساعد نبود منتهی چون

دیدم که اگر بخواهم به تأخیر بیاندازم ممکن است

موفق نشوم خدمت دوستان برسم و خلف وعده

کرده باشم.

امشب شب میلاد امام زمان علیه السلام، شب

تحقق مظهر عدل تامّ و اجراء حق و عدالت است.

روایتی از پیغمبر اکرم نقل شده است [از امام باقر (ع)

است] که فرمودند ظاهراً از امام صادق علیه السلام
 [است و] مشابَهش از پیغمبر اکرم است إِذَا قَامَ قَائِمُنَا
 وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ
 كَمَلَتْ بِهِ أَخْلَامَهُمْ^۱ یعنی وقتی که امام زمان حضرت
 بقیة الله ارواحنا فداه وقتی که ظهور کند خداوند
 دستش را روی سر همه مردم می گذارد و ایمان مردم
 به واسطه ظهور حضرت تمام می شود و عقل آنها
 کامل می شود. مطلبی که در این جا مطرح است این
 که مگر امام زمان علیه السلام چه می کند؟ مطلب دوم
 این که آیا این مطلب در زمان غیر از ظهور آن
 حضرت امکان پذیر نیست و حتماً باید امام زمان
 ظهور کند؟ یعنی اجراء عدالت این اجرای عدالت
 نیاز به ظهور ظاهری آن حضرت دارد یا این که برای
 افراد در غیر از زمان خود آن ظهور هم ممکن است
 و میسر است؟ و به عبارت دیگر آیا ما باید فقط منتظر
 ظهور حضرت باشیم و هیچ کار و عملی را
 نمی توانیم انجام بدهیم و چشم به ظهور آن حضرت
 باید بدوزیم؟ یا اینکه مطلب به صورت دیگری

^۱ الکافی، ج ۱، ص ۲۵

است؟

یک روز من خدمت یکی از بزرگان رسیدم به اتفاق بعضی از رفقا و دوستان خودمان. آن شخص در تمام مدت مجالست و صحبت که حدود یک ساعت و نیم طول کشید دائما صحبت از ظهور و زمان ظهور و آثار و علائم ظهور و ... فلان کس خوابیده در این تاریخ امام زمان ظهور می کند، فلان کس در مکاشفه دیده که حضرت یک عددی را برای او ترسیم کرده اند. و می گفت من وقتی در فلان جا بودم یکی از شهرها در فلان سنین، خودم با بعضی از محاسبات و کارهایی که کردم به دست آوردم که حضرت در سال ۱۴۱۶ هجری قمری یعنی همین دو سال پیش ظهور می کند! البته آن موقع که ما خدمت ایشان رسیدیم شاید حدود هفت یا هشت سال پیش بود و تمام این مدت به این حرفها گذشت.

من از ایشان یک سوال کردم گفتم در این جا چند مسئله مطرح است، مطلب اول این که این مطالبی را که شما نسبت به ظهور حضرت می فرمایید که در این سال ظهور می کند، "فلان کس خواب دیده"، "فلان کس مکاشفه کرده" یا امثال ذلک، یا درست است یا غلط است. اگر این مسائل غلط است که چرا شما اینها را برای مردم مطرح می کنید؟ و چرا مردم را به اشتباه می اندازید؟ و چرا احتمال غلط بودن و باطل بودن می دادی خب چطور این که دیدید باطل بود، یعنی ایشان به ما گفتند در سال ۱۴۱۶، الان ما ۱۴۱۸ هستیم و هنوز این مسائل دیده نشد؛ پس معلوم می شود که این باطل بوده. گفتم اگر این مطالب غلط است چرا شما بیان می کنید؟ و اگر این مطالب صحیح است چرا ما اینها را از ائمه نشنیدیم؟ این چه مصلحتی است که امام علیه السلام نباید برای مردم بیان کند که در سال هزار و چهارصد و چند فرض کنید که ظاهر می شود اما آن طوری که آنها مطرح کردند به نحو کلی بود اما به نحو خصوص بیان نکردند.

گفتم این مطلبِ اول و اما سوال دوم این که بر فرض که این مطالب صحیح باشد، این مطالب به نحو جدّ برای کسی مفید است و به درد کسی می خورد که زمان ظهور حضرت را درک بکند. اگر شخصی قبل از ظهور حضرت از دنیا برود ظهور حضرت به چه درد او می خورد؟ چه فایده ای دارد؟ حالا [فرضا] که امام زمان علیه السلام دو ماه دیگر ظهور کند و من بدانم یک هفته دیگر از دنیا می روم، به چه درد من می خورد؟ چه دردی از دردهای من را دوا می کند؟ و چه نفعی برای کمال من دارد ظهوری که حضرت دو ماه دیگر دارد؟ اگر قرار بر این باشد بگوییم که خب ظهور حضرت در آن موقع برای من فایده دارد خب ظهور برای کسی که هزار سال پیش هم از دنیا رفته، برای او هم فایده دارد. این همان معنا ولایت غیبی است که ظاهر و باطن ندارد و سررشته همه امور به دست او است.

پس بنابراین این که ما بیاییم و وقتمان را بگذرانیم بر این که امام علیه السلام کی ظهور می کند و در زمان ظهورش چه می شود و امثال ذلک، این چه

نفعی برای ما دارد؟ چقدر بودند افرادی که سابق مدعی ملاقات با امام زمان علیه السلام بودند؟ در همین دنیا... و برای مردم حکایاتی نقل می کردند و برای مردم آثار و علائمی را بیان می کردند اما الان آنها در دل خاک خفتند؟ یعنی باطل همه اینها همه باطل بوده دیگر.

من خودم شنیدم از بعضی افرادی که آنها به ضرس قاطع زمان ظهور حضرت را تعیین می کردند و بعد خودشان را از افرادی که در زمان ظهور هست از آنها معرفی می کردند در حالتی که دو سال است که از دنیا رفته اند. حتی یکی از اینها آمده بود پیش پدر ما و یک شب به پدر ما گفته بود که البته این قضیه که دارم خدمت شما عرض می کنم مال بیست سال پیش است گفته بود آقا من میخواهم به شما یک

بشارت بدهم، گفتند: خب. بعد به پدر ما گفته بود که یک بشارتی می‌خواهم به شما بدهم که باید سور بدهید! یک سور باید بدهید تا این بشارت [را بگویم]. مرحوم پدر ما خندید و گفت که حالا شما بشارت را بده انشاءالله سور طلبت. از این افرادی بود که در بعضی از این علوم عجیبه و غریبه یک مقداری اطلاعاتی داشت. گفت من حساب کردم در علم اعداد و جفر و اینها که شما جزو ۳۱۳ نفری هستید که در رکاب امام زمان اید.

خب پدر ما سه سال پیش از دنیا رفت. از همان موقع هم ایشان رد نمی‌کرد، می‌خندید، مزاح می‌کرد، شوخی می‌کرد؛ [می‌فرمودند] انشاءالله امیدواریم ما را قبول کنند، از این عبارتهایی که نه حکایت از رد مسئله است و نه حکایت از قبول آنها ولی صحبت این است که پدر ما معطل نشد که امام زمان ظهور کند، همان موقع کار خودش را ساخت اما آن بنده خدا [با این فکر که] همین طور به این انتظار بنشین، مجلس تشکیل بده، مردم را جمع کن، با آنها صحبت کن، حضرت این موقع ظهور می‌کند،

حضرت چه می‌کند. بعد هم سر مردم را یک مقداری با همین حرفها گرم بکنند و بعد هم بگویند نشد و نشد و بدا شد و این طور شد. این مطالب صحیح نیست. سر مردم را گرم کردن با این مطالب صحیح نیست. چرا انسان واقعیت را نیاید مطرح کند؟ چرا یک حقیقتی را نیاید مطرح کند؟ چرا آن چه که به درد مردم و به درد خودش می‌خورد آن را نیاید برای مردم مطرح کند؟

امام زمان علیه السلام اگر خدا توفیق داد به ما که چشممان به جمال منور ایشان روشن بشود که با دنیا و آخرت برابری نمی‌کند خب فبها چه بهتر و اگر توفیق پیدا نکردیم، بنشینیم دست روی دست بگذاریم و همین طور آتل و باطل بمانیم تا اینکه امام زمان علیه السلام ظهور کند؟ لعل این که مشیت الهی [ما] بر زیارت ما؛ جمال منور ایشان تعلق نگرفته باشد.

یک روز خدمت مرحوم آقای حداد بودم در آن موقع سنم هفده سال بود این قضیه مال بیست و پنج سال پیش است ایشان یک ساعت راجع به

مسائل دیگر ... این قضیه در کربلا اتفاق افتاد در همان سفری که خود مرحوم آقا در کتاب روح مجرد هم نوشتند.

مرحوم آقا به اتفاق اخوی ما از منزل بیرون آمدند و به سمت حرم سیدالشهدا حرکت کردند که زیارت کنند، قرار شد که من با مرحوم آقای حداد یک یک ساعتی ایشان با من صحبت کنند و بعد من بروم به ایشان ملحق بشوم. ایشان در بین صحبت‌هایی [مطالبی] که به من فرمودند و سوالاتی من کردم و ایشان جوابهایی دادند و اینها، من رو کردم به مرحوم آقای حداد گفتم که آقا رویت ظاهری امام علیه السلام از نقطه نظر سلوک آیا برای سالک ضروری است، ضرورت دارد؟ ایشان یک خنده ای کردند و به من فرمودند: سالک هدفش و غایتش معرفت و رسیدن به باطن امام علیه السلام است، این منظور

سالک است، هدف سالک با هدف سایر مردم تفاوت دارد.

شما الان نگاه کنید ببینید خیابانها را جشن بستند آیین بستند و تکایا، اینها شعر می خوانند شادی می کنند، شیرینی می دهند، اینها همه اش درست، اینها همه اش باید این طور باشد، باید این طور باشد باید شادی باشد، باید جشن باشد، شعائر دین واجب است در حکومت اسلام و در مملکت اسلام انجام بشود و متأسفانه ما مسلمانها و بخصوص ما شیعیان نسبت به این قضیه اتفاقا کوتاهی می کنیم.

پارسال بود من در سفری که در لبنان داشتم یک شب اتفاق بعضی از دوستان که بیرون آمده بودیم، [دیدیم] خیلی شهر شلوغ است جشن است و از این ترقه بازی ها و خیلی اصلا یک بساطی، خیلی عجیب بود. سوال کردیم مگر امشب چه خبر است؟ گفتند امشب یکی از اعیاد مسیحیان است، شب تولد نبود یکی از اعیاد مسیحی ها بود. جلوی ماشینها را نگه می داشتند و شیرینی می دادند همین مسیحی ها و شیرینی می دادند، نقل می دادند، به زور

خلاصه محبت می کردند.

چند روز بعد از آن، روز ۱۷ ربیع روز میلاد پیغمبر اکرم بود و من یک چراغ ندیدم در این بیروت راجع به میلاد پیغمبر روشن بشود. با این که دو سوم جمعیت و بلکه سه چهارم جمعیت آنها را مسلمانها اعم از اهل تسنن و شیعه تشکیل می داد. ببینید چقدر این مسئله مهم است. در محله شیعه نشین بیروت که همین محلی بود که آن ساختمانی که ما در آن جا بودیم در شب میلاد پیغمبر فقط یک نفر را ما دیدیم که یک ظرف شکلات دستش گرفته بود کنار خیابان و ماشینهایی که رد می شدند، همینجوری دستش را نگه داشته بود حالا ماشینهایی که رد می شدند یکی برمی داشت، یکی رد می شد. این آنچه را که بود. درست شد؟ اینها تمام یک روزی باید حساب پس بدهند.

تعظیم شعائر دین از اهمّ واجبات است، ما فرزندانمان را با این فرهنگ باید بار بیاوریم، بچه هایمان را با این فرهنگ باید بار بیاوریم. می دانید معاویه چه کار می کرد؟ برمی داشت عسل می فرستاد

خانه این و آن می‌گفت بگویند معاویه فرستاده، غذا می‌فرستاد خانه اینها و ... بچه چه می‌فهمد؟ بچه نگاه می‌کند، می‌بیند کسی که به او محبت می‌کند، [به او] علاقه پیدا می‌کند، بزرگ هم همین طور.

باید در مملکت اسلام و در حکومت اسلام نسبت به شعائر دینی و مناسباتی که مربوط است به ائمه هدی صلوات الله علیهم اجمعین و بخصوص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باید سنگ تمام گذاشته شود. ما هر چه داریم از ائمه داریم و هر چه داریم از امام زمان علیه السلام داریم. در رأس شعارهای ما تأسی به امام زمان علیه السلام باید قرار بگیرد و بقیه تحت الشعاع باید باشد، در رأس شعارهای ما متابعت از ائمه علیهم السلام باید قرار بگیرد، بقیه اشیاء باید تحت الشعاع باشد، من کی

هستم؟ امثال من چه کسانی هستند؟ من و

امثال من تمام ما ریزه خوار این خوان و ریزه خوار سفره انعام ائمه معصومین علیهم السلام هستیم.

الان این مسائل باید مورد توجه قرار بگیرد اما

صحبت در این جا این است که این شعارها و این

نشاطها و این مسائل اینها یک جنبه ظاهری دارد که

در جنب این جنبه ظاهر آن حقیقت نباید فراموش

بشود. بیاییم و جشن بگیریم و شادی کنیم و شیرینی

پخش کنیم برای امام زمان علیه السلام بعد از او

می پرسند که خب نمازت را خواندی یا نه؟

می گوید: نه نماز نخواندم نمازم قضا شده.

می گویند: خب چرا نمازت قضا شده؟ می گوید:

جشن از نماز مهمتر است. خب اینها سالک در این

مسیر حرکت نمی کند؛ سالک علاوه بر رعایت

مسائل ظاهر به آن حقیقتی می پردازد که برای آن

حقیقت این جلوات در خارج بروز و ظهور پیدا

می کند.

ایشان (حضرت مرحوم حداد) به من

فرمودند: اگر می خواهی امام زمان علیه السلام را

بینی، من یک دستورالعمل به تو می‌دهم، بعد از ده روز حضرت را می‌بینی و با ایشان صحبت می‌کنی و دستورالعمل این است، به من دستورالعمل را دادند ولی فرمودند: اما اگر طالب دیدار باطن هستی و می‌خواهی به آن حقیقت و ولایت برسی، دنبال دیدن ظاهر و اینها نباید باشی ولی اگر می‌خواهی دستورالعمل هم همین است.

و من انجام ندادم آن دستورالعمل را، چرا؟ چون دیدم این دیدن ظاهر این دیدن، دیدن نفس است، خوشم می‌آید که من امام را دیده باشم، خوشم می‌آید که من حضرت را بروم ببینم، خوش می‌آید. اگر من حضرت را ببینم و حضرت بگویند برای چه آمدی و خواستی ما را ببینی؟ خب حالا دیدی و خیالت راحت شد؟ خب حالا دیدی، آیا به دستورات من عمل کردی؟ آیا آن چه که مورد رضایت من است انجام دادی؟ خلاصه اگر از من پرسیدند که "تو در برون چه کردی که درون خانه آیی" چه جوابی داری؟

این بود مرام و مکتب اولیا و بزرگان بود، اولیا

و بزرگان خودشان را معطل ظهور امام زمان نکردند. امام زمان را در هر حالی در کنار خودشان مشاهده کردند، الان امام زمان در همین مجلس حضور دارد، امام زمان علیه السلام در تک تک منازل ما و شما حضور دارد. امام زمان علیه السلام با تمام شرایش وجود ما و شما مصاحبت دارد و مجالست دارد و همچون موم در دست آن حضرت ما در تقلا و در تکاپو هستیم، امام زمان این طوری است، نه اینکه یک شخص خارجی‌ای که فقط ارتباطش در صورتی است که حجابی نباشد، مانعی نباشد، ما بخواهیم او را ببینیم. آن وقتی که ما توجه به امام کردیم آن موقع امام در قلب ما است، آن موقعی که نماز را با حضور خواندیم، بدانیم در آن موقع امام زمان علیه

السلام در خانه ما بود. مسئله از این قرار است.

دیدید امواج چطور الان این وسایل و دستگاههایی که خب در این جا هست اینها امواج را ضبط می کنند، درست است؟ امواج هست، امواج از هر جهت در این اتاق هست، امواج رادویی هست، امواج تلویزیونی هست، امواج صوتی هست، امواج کوتاه و بلند در این جا هست، تمام اینها وجود دارد. صحبت در گیرنده است، اگر گیرنده را شما تنظیم کنید پیشش را بیچانید، تنظیم کنید روی آن ایستگاه او را می گیرد، اگر یک مقداری فاصله بدهید نمی گیرد، سر و صدا می کند، خش خش می کند؛ چون هنوز آن گیرنده روی ایستگاه تنظیم نشده. آن وقتی که شما نمازتان با حضور قلب بود آن موقع گیرنده شما روی ایستگاه تنظیم شده، سِت شده آن موقع.

اگر نماز بدون حضور قلب باشد هنوز یک سانت با ایستگاه فاصله دارید، خش خش می کند و چون امام طاهر است در قلب طاهر می آید در قلب

غیر ظاهر نمی‌آید. امام حق محض است، امام طهارت محض است، امام علیه السلام قُدس و صفای محض است. این نیاز به هیچ محکی ندارد شما وقتی که در وجود خودتان حالت روحانیت دیدید بدانید که در آن موقع مورد توجه حضرت هستید، اگر در خودتان حالت روحانیت ندید بدانید نیستید، محک نمی‌خواهد. حالا امام زمان علیه السلام بیاید و شما او را ببینید چه فایده؟ چه نتیجه؟ درست شد؟

پس بنابراین، هدفی که در آن هدف امام صادق علیه السلام می‌فرماید: إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَخْلَامَهُمْ آن هدف برای کیست؟ برای مردم عوام است، بله برای مردم عوام ظهور حضرت مفید است، امنیت برقرار می‌شود، عدالت برقرار می‌شود، اطمینان برقرار می‌شود، مظاهر فساد همه از بین می‌روند. اما برای آن سالک ... کی ضرر کرده؟ خودش ضرر کرده.

در آن جلسه روز گذشته خدمت دوستان از

اخوه و برادران این مطلب را در آن جا عرض کردم
اگر شنیده باشید که هر لحظه از عمری که خداوند
در این دنیا به ما بدهد، یک لحظه از عالم برزخ را کم
می‌کند. یعنی اگر قرار بر این باشد که برای کمال
انسان، خدا در این دنیا بخواهد پنجاه سال عمر بدهد
به همان مقدار که کم داده است در عالم برزخ اضافه
می‌کند و اگر در اینجا آن نصیب از حیات دنیوی را
به انسان داده باشد، دیگر در عالم برزخ خبری
نیست، هیچ خبری نیست. پس بدانید این لحظاتی
که در این دنیا از ما می‌رود به جایش نه در این دنیا و
نه در آن دنیا نخواهد آمد. حساب دارد. این می‌شود
خدای عادل. خدای عادل نگوید که چرا فرض کنید
که فلان کس در بیست سالگی از دنیا رفت؟ خب
توقع داشتید چقدر در این دنیا بماند برای اینکه به
کمال برسد؟ اگر شخص در راه باشد و در بیست

سالگی از دنیا برود فرض کنید که پانزده سال طول می کشد برای اینکه به کمال برسد، خدا سیزده سال از [در] آن دنیا در عالم برزخ برای این قرار می دهد قرار می دهد. این جا از تو کم گذاشت آن جا اضافه می کند.

به هوای بعد از مرگ و پس از مرگ و امثال ذلک ننشینید، این سرمایه ای است که از بین می رود و دیگر به جای او بر نمی گردد، حالا با توجه به این قضیه چطور ما می توانیم دست روی دست بگذاریم و تمام استعدادها و آن جهاتی [و قوایی] که خداوند برای قوا برای رسیدن به فعلیت و کمال در وجود ما قرار داده آنها را آتل و باطل به لهو و لعب و به امید ظهور امام علیه السلام [تلف کنیم]، همین طور دلمان را خوش کنیم به این که طور خواهد شد، آن طور خواهد شد فلان می شود، ستاره اگر در آسمان بیاید دلالت بر ظهور می کند، از مشرق اگر فلان قضیه اتفاق بیافتد چه خواهد شد، از سوریه اگر فرض کنید که [می گویند] سفیانی می گویند ظهور بکند دیگر موقع ظهور حضرت است. شما اصلا

می‌دانید که فردا زنده هستید یا نه؟ حالا گیرم بر اینکه سفیانی هم ظهور کند، وقتی من نباشم برای من چه فایده دارد؟

لذا ما در این دنیا باید درصدد این باشیم آن اهدافی که در زمان ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداه برای عامه مردم حضرت می‌آورد ما آن‌ها را در زمان غیبت انجام بدهیم، این مهم است. آن چه را که امام علیه السلام با ظهور خود و با حضور خود به عنوان تکلیف و به عنوان نردبان برای فعلیت کمالات برای انسان می‌آورد، آنها را ما [برای آن‌ها] منتظر ظهور حضرت نشویم. کلمات آن حضرت هست، بیانات آن حضرت هست، نامه‌هایی که آن حضرت دادند هست، سوال و جوابها هست، از سایر ائمه هست، ما چیزی کم نداریم که منتظر ظهور امام باشیم و خلاصه بخواهیم با ظهور امام رفع نقایص خودمان را بکنیم. مگر این همه از بزرگانی که در زمان غیبت به مقام ولایت و طهارت رسیدند مگر اینها منتظر ظهور شدند؟

یک بار من در تمام مدت عمر مرحوم آقا

رضوان الله عليه نشنیدم که ایشان در صحبت‌هایشان در جلساتشان [دوستانشان را رفقایشان را با این مسائل] تشویق کنند، دوستانشان را رفقایشان را با این مسائل حضرت کی ظهور می‌کند و در چه تاریخی خواهد آمد و فلان، نه ... من نشنیدم.

تمام توجه ایشان و تمام توجیح ایشان، دوستان خودشان را در این راستا متوجه عمل به تکلیف متوجه عمل به تکلیف بوده؛ اگر این کار را انجام دادید با آن حضرت معیت دارید.

یک روز یکی از دوستان از مرحوم آقا سوال کرده بود و گفته بود که آقا ارتباط شما با امام زمان علیه السلام چه جوری است؟ البته ایشان خوب جوابی که به او دادند عرض می‌کنم اما مطلب بالاتر از این است، ایشان فرمودند: مثل این که الان من اینجا نشستم ایشان طبقه بالا بودند فرض کنید که

طبقه بالای این جا امام این جا نشستند چطور
افرادی در طبقه پایین، در مسجد و اینها نشستند و
بازی می کنند، صحبت می کنند، حرکت می کنند
احاطه و اشراف دارم و مواظب هستم که کسی از
جایش بلند نشود، تخطی نکند کسی مثلاً، شیطانی
نکند و امثال ذلک، امام علیه السلام با همین ... انگار
در طبقه بالا نشستند و من طبقه پایین بر آنجا [احاطه]
دارد ... البته این جوابی که باز دادند مطابق با فهم
اوست، مسئله خیلی از اینها بالاتر است، خیلی بالاتر
و دقیقتر است و این مسئله است.

خب گفتند "ره چنان رو که رهروان رفتند"
اینها را که ما دیدیم هی وعده به ظهور و اینها دادند
همینطور از دنیا رفتند و به وعده های خودشان
نرسیدند، خب اینکه با چشم خودمان دیدیم. این
طرف [افرادی] که در مطالب دیگر و مسائل دیگر
حرکت کردند، نتایج اینها را هم دیدیم. خب حالا
گروهی این، گروهی آن پسندند، این دیگر این گوی
و این میدان. گفت: گر گدا کاهل بود تقصیر
صاحبخانه نیست چیست؟ امام علیه السلام موت و

حیات ندارد، کوچک و بزرگی ندارد، غیبت و ظهور ندارد.

همین که شما در این جا جمع شدید در این روز روز ۱۴ و شب نیمه شعبان و آمدید در این جا و خواستید حالا دیگر از باب قحط الرجالی و چه عرض کنم و از باب تأسف و تأسر و بدشانسی اسمش را بگذاریم حالا دیگر دقائقی از عمرتان را در صحبت با ما بگذرانید، همین قضیه و این نیت شما که شما را به این جا آورده کی آورده؟ چرا شما جای دیگر نرفتید؟ چرا مانند بقیه افراد به مسائل دیگر پرداختید؟ این چیست قضیه؟ این امام علیه السلام است. درست شد؟

این احاطه مقام ولایت به این می گویند به این می گویند ... که بیاید و توفیق بدهد و راه بیاندازد و حرکت بدهد و عرض کنم حضورتان که انسان را برد. و بدانید که در تمام لحظات و در تمام دقائق و در تمام خطورات اول او را حاضر ببینید و اول او را ناظر ببیند و بعد آن حرفی را می خواهید بزنید، آن قدمی را که می خواهید بردارید، آن عملی را که

می‌خواهید انجام دهید. اول وجود حضرت را در کنار خودتان حاضر بینید مثل این که من الان دارم صحبت می‌کنم می‌دانید چه می‌خواهم بگویم؟

یک روز مرحوم آقا این سوال را از من کردند بله یا خودم به ایشان عرض کرده بودم حالا نمی‌دانم راجع به چه مسأله‌ای بود من داشتم با ایشان صحبت می‌کردم، عرض کردم گفتم آقا من وقتی که دارم با یک شخص صحبت می‌کنم اگر امام علیه السلام هم اینجا در کنارم باشد همین طوری حرف می‌زنم، همین طوری، یعنی می‌خواهم این طور باشم. یعنی این حالت حضور امام علیه السلام را هر کدام از ما در هر عملی که می‌خواهیم انجام بدهیم باید در کنار خودمان مشاهده کنیم، آن وقت شما ببینید اگر واقعا افراد بخواهند به این مطلب عمل کنند چه وضعی پیش می‌آید، چه اوضاعی پیش می‌آید، دیگر کسی می‌تواند به کسی دروغ بگوید؟ دیگر کسی می‌تواند به کسی تهمت بزند؟ دیگر کسی

می‌تواند به کسی نیت بد کند؟ تمام اینها چیست همه اینها از بین می‌رود. یک چند روزی امتحان کنید، یک مدتی امتحان کنید، اگر بدی دیدیم خب کنار می‌گذاریم خب کاری ندارد، اگر نتیجه آن را برایمان روشن و ملموس بود خب دیگر در آن صورت انسان عاقل و انسان منطقی هیچ وقت عمل راجح را نمی‌آید ترک کند.

خب صحبت ما طولانی شد و وقت نماز مغرب شد و ما هم چون عازم هستیم لذا دیگر خدمت دوستان و سروران باید ... کنم. امشب شب نیمه شعبان است، امروز هم عرض کردم به دوستان که بودیم، امشب شب احیاء است و تمام اولیاء و بزرگان نسبت به احیاء امشب خیلی تأکید داشتند و خود مرحوم آقا هم شب‌های نیمه شعبان با همین دوستانشان احیا می‌گرفتند البته در همان زمانی که در تهران بودند ولی بعد که به مشهد مشرف شدند دیگر خب دستور می‌دادند که هر کسی در منزل خودش داشته باشد و یادم است که خودشان هم دعای کمیل می‌خواندند در همین شب با همان دوستان به

اصطلاح خصوصی ایشان و دعای جوشن هم وارد است، دعای کمیل هم وارد است، دعای فرج هم برای ظهور آن حضرت هم وارد است.

البته وقتی که در دعای فرج انسان ظهور ظاهری را از خداوند متعال طلب می‌کند باید در وهله اول ظهور آن باطنی را برای خودش طلب کند، این مهم است. ظهور باطنی برای انسان طلب بشود و آن بایستی مورد طلب [واقع] شود. حالا چه ظهور ظاهر باشد چه نباشد، چطور اینکه در [این مسأله] روایاتی هم از امام صادق علیه السلام داریم.

در هر صورت احیاء امشب خیلی مستحب است و این طور تصور نکنید که تمام شب را حتما بیدار باشید، نه، برای رفع خستگی یک مقداری استراحت بکنید اشکالی ندارد. خلاصه بدانید که شب، شب بسیار مهمی است و نظیر امشب کم پیدا می‌شود. خلاصه از دست ندهید فرصت را که [به دست نمی‌آید این فرصت]، امیدواریم که ما را هم از دعا فراموش نکنند و این حقیر فقیر مسکین را هم مدّ نظر داشته باشید. امیدواریم که به واسطه توجهات

امام زمان علیه السلام، عنایت آن حضرت و الطاف
بی شائبه آن حضرت در دنیا و آخرت همیشه ممد و
مؤید ما باشد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ